



مرکز مجاز امام صادق علیه السلام

رجال - اعتبار سنجی احادیث شیعه

معیارهای داوری رجالی

جلسه ۸

استادحسینی شیرازی

پدیده‌های موجود در فرآیند داوری:

۱. داور (برفرض مثال: دانشمند رجالی)

۲. راوی داوری شونده (برفرض مثال: یونس بن عبدالرحمن)

۳. معیار داوری (ثابت است)

۴. انگیزه داوری (ثابت است)

۵. نتیجه داوری (متغیر است)

نخستین مرحله:

الف) جمع‌آوری قرائن و شواهد

ب) شکل‌گیری ذهنیت رجالی

ج) حکم رجالی

نکته: انگیزه داوری؛ چرا رجالی وارد عرصه نظریه‌پردازی می‌شود؟

زیرا انگیزه، اعلام موضع رجالی در برابر احادیث راوی است و کسانی که این داوری را می‌پذیرند.

ج) حکم رجالی با الفاظ مختلف، در یکی از دو شکل وثاقت و ضعف، نمود پیدا می‌کند.

اگر رجالی انگیزه داوری که اعلام موضع در برابر احادیث راوی است را بپذیرد و زمانی که قرائن و

شواهد و شکل‌گیری ذهنی و حکم رجالی متفاوت بودند، موضع عملی هم متفاوت خواهد بود.

سؤال: اگر راوی از نظر رجالی ضعیف یا توثیق شود، چه موضع عملی در برابر آنها گرفته می‌شود؟

آنچه به عنوان موضع گیری عملی در برابر راویان ضعیف هست، کنارنگذاشتن یکباره تمام احادیث و احادیث منفرد راوی ضعیف است مگر اینکه تصریح شده باشد دامنه ضعف به گونه ای است که هیچ یک از احادیث او قابل پذیرش نیست.

احادیث منفرد: در روایات حکم و موضوعی است که فقط خود راوی سخن گفته یا اینکه در کتاب دیگر حکم مخالف آن موضوع و حکم بیان شده است.

• روایات مشترک شخص ضعیف با دیگران مانند روایات مشترک شخص ثقه با دیگران است.

• تفاوت راوی ضعیف و ثقه از نگاه پیشینیان در احادیث منفرد است.

کتاب های راوی، معیار داوری رجالیون بعد از حیات راوی است.

معیارهای داوری

باورهای کلامی پیرا امامتی؛ اکثر راویان تضعیف شده شیعه، بر اساس معیار غلو در نزد رجالی، تضعیف شده اند.

تطبیقات

۱. محمد بن سنان أبو جعفر الزاهری؛ هو رجل ضعیف جدا لا یعول علیه و لا یلتفت إلی ما تفرد به

(نجاشی/مدخل ۸۸۸)

اشکال: ممکن است گفته شود که این بیان، صرفاً در عرصه نظریه پردازی است، آیا شخصی در عرصه

عملی درباره محمد بن سنان چنین بیانی داشته؟

پاسخ مرحوم شیخ طوسی در تهذیب؛ در این حدیث وجه عمل نکردن خود را بیان می کند.

فَأَوْلُ مَا فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنَّهُ لَمْ يَرَوْهُ غَيْرُ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ مَطْعُونٌ عَلَيْهِ
ضَعِيفٌ جِدًّا وَ مَا يَسْتَبَدُّ بِرِوَايَتِهِ (ای انفراد برآیه) وَ لَا يَشْرِكُهُ فِيهِ غَيْرُهُ لَا يُعْمَلُ عَلَيْهِ. (تهذیب/ج ۷/ص ۳۶۱)



در بیان نام صادق (علیه السلام)

✓ شیخ طوسی به علت وجود محمد بن سنان، به این روایت عمل نمی‌کند.

۲. عمار بن موسی سبابی؛ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۱۰۲۲۲۶

● یکی از ۴ روایتی که شیخ به آن عمل نمی‌کند، سندش به عمار بن موسی سبابی ختم می‌شود. Imamsadiq.tv

شود. ... أَلَوْجُهُ فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ أَنَّهَا لَا تُعَارِضُ مَا قَدَّمَاهُ مِنْ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ بَيْعُ الذَّهَبِ بِالْفِضَّةِ نَسِيئَةً مُتَّفَاضِلًا لِأَنَّ تِلْكَ الْأَخْبَارَ كَثِيرَةٌ وَ هَذِهِ الْأَخْبَارُ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا الْأَضَلُّ فِيهَا عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابِاطِيُّ وَ هُوَ وَاحِدٌ قَدْ ضَعَّفَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ النَّقْلِ وَ ذَكَرُوا أَنَّ مَا يَنْفَرِدُ بِنَقْلِهِ لَا يُعْمَلُ بِهِ لِأَنَّهُ كَانَ فَطْحِيًّا (همان/ج ۷/ص ۱۰۰)

۳. علی بن حنبلید؛ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَنبَلٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ...

Imamsadiq.tv Imamsadiq.tv Imamsadiq.tv

نظر شیخ طوسی علیه الرحمه:

أَمَّا حَبْرُ زُرَّارَةَ فَالطَّرِيقُ إِلَيْهِ - عَلِيُّ بْنُ حَنبَلٍ وَ هُوَ مُضَعَّفٌ جِدًّا لَا يُعَوَّلُ عَلَيَّ مَا يَنْفَرِدُ بِنَقْلِهِ. ۴. محمد [بن اورمه] محمد بن اورمه؛ له كتب مثل كتب الحسين بن سعيد، و في رواياته تخليط. معنای تخليط:

۱. نامرتب بودن

۲. التقاط، در هم آمیختگی صحیح و غلط

Imamsadiq.tv Imamsadiq.tv Imamsadiq.tv

قال محمد بن علي بن الحسين: محمد بن اورمه طعن عليه بالغلو...

نظر استاد: تقریباً ۸۶٪ تضعیفات وارده به منابع رجالی، بر پایه غلو می باشد.

فكلّ ما كان في كتبه ممّا يوجد في كتب الحسين بن سعيد وغيره فإنّه يعتمد و يفتى به، (و كلّ ما تفرّد)

به لم يجز العمل عليه و لا يعتمد. (طوسى /الفهرست /ص ٤٠٧/م/٦٢١) ٦٠

و حكى جماعة من شيوخ القميين عن ابن الوليد أنه قال: محمد بن أورمة طعن عليه بالغلو، و كل (فكل)

ما كان في كتبه مما وجد في كتب الحسين بن سعيد وغيره فقل به، و ما تفرّد به فلا تعتمد... .

٥. سليمان بن عبدالله ديلمى

إن أصله من بجيلة الكوفة و كان يتجر إلى خراسان و يكثر شراء (شرى) سبي الديلم و يحملهم إلى الكوفة

و غيرها فقيل: للديلمى. غمز عليه، و قيل: كان غاليا كذلبا. و كذلك ابنه محمد لا يعمل بما انفردا به من

الرواية. (نجاشى /ص ١٨٢/٤٨٢)

٦. عبد الله بن يحيى

له كتاب عن أبي البخترى وهب بن وهب صاحب المغازي. و تزوّج أبو عبد الله عليه السلام بأمّه،

أعني أمّ وهب بن وهب، و كان قاضي القضاة ببغداد من قبل الرشيد، و هو ضعيف لا يعول على ما

ينفرد به. (فهرست طوسى /ص ٣٠٣/م/٤٦٢)

٧. گزارش شيخ صدوق در كمال الدين از احمد بن هلال

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي

مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ

رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ زُرَّارَةَ هَلْ كَانَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ فَلِمَ بَعَثَ ابْنَهُ عُبَيْدًا

لِيَتَعَرَّفَ الْخَبَرَ إِلَى مَنْ أَوْصَى الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِنَّ زُرَّارَةَ كَانَ يَعْرِفُ أَمْرَ أَبِي عَلَيْهِ

السَّلَامُ وَ نَصَّ أَبِيهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّمَا بَعَثَ ابْنَهُ لِيَتَعَرَّفَ مِنْ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَرْفَعَ التَّقِيَّةَ فِي إِظْهَارِ

أَمْرِهِ وَ نَصَّ أَبِيهِ عَلَيْهِ

گزارش ابن غضائری: یکنی ابا إسحاق، النهاونديّ. في حديثه ضعف، و في مذهبه ارتفاع (غالی). و يروي الصحيح (محتواى سالم و ثابت الانتساب به معصوم را به ما مى رساند) و السقيم، و أمره مختلط. (رجال ابن غضائرى/ص ۳۹/م ۹)

و قال الشيخ في العدة: و كذلك القول في ما يرويه المتهمون و المضعفون، إن كان هناك ما يعضد روايتهم و يدلّ على صحّتها (از معصوم نقل شده) و جب العمل به، و إن لم يكن هناك ما يشهد لروايتهم بالصحة و جب التوقّف في أخبارهم، ... (قاموس الرجال/ج ۱/ص ۳۸)

نتیجه: در خصوص راویان ضعیف، به احادیث منفرد ایشان نمی توان عمل نمود، ولی همه روایات آنان را نباید مردود دانست.

نقطه ثقل بحث وثاقت و تضعیف در روایات منفرد است.